



رشد نگاه مثبت به سرمایه‌گذاری و کارآفرینی

اشاره:

به اعتقاد دکتر شهوازیان تا به یک ثبات اقتصادی نرسیم امکان حضور در بازارهای بین‌المللی را نخواهیم داشت. نوسان قیمت در بازار بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و بهانه‌هایی مانند نوسان نرخ ارز، تغییر دولت و ... توجیه‌پذیر نیست. مدیرعامل گروه نیک بسپار یزد که ریشه در نساجی دارد و دانش‌آموخته و مدرس دانشگاه است، ادامه داد: چه بخواهیم چه نخواهیم در دهکده جهانی قرار داریم و تمام کشورها از طریق فناوری ارتباطات و اطلاعات به تعامل با همدیگر می‌پردازند. نمی‌توان دور خود را خط بکشیم و خود را تافته جدا بافته بدانیم! این استدلال در دنیای امروز دیگر محلی از اعراب ندارد و دوران آن سپری شده است. دکتر شهوازیان اذعان داشت: صنعت نساجی، پول‌های بادآورده و یک شبه با رانت و فساد را به دست نیاورده و از ابتدا با تکیه بر تلاش، همت و ابتکار صنعتگران و تولیدکنندگان خود به بالندگی رسیده است، نساجی سالم‌ترین صنایع ایران به شمار می‌آید و به همین دلیل برخی که تفکرات ناسالم دارند و به دنبال رانت و فساد هستند، هرگز وارد این صنعت شریف نمی‌شوند و برای کسب روزی حلال، دنبال در دسر نمی‌گردند!

۴ بیوگرافی، سوابق شغلی و تحصیلی

متولد سال ۱۳۵۰ در یزد هستیم. با توجه به فعالیت پدرم در بخش ریسندگی، تکمیل و تولید نخ‌های فرش دستباف، رشته مهندسی نساجی را جهت تحصیلات دانشگاهی انتخاب کردم. واحد تولیدی ایشان با نام «فرش صنعت یزد» سپس به ریسندگی و تولید نخ‌های فرش ماشینی روی آورد. اولین فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی هستم که از پروژه پایان‌نامه دوران کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی دفاع کردم تا آن زمان (سال ۱۳۷۴) فقط در دانشگاه صنعتی امیرکبیر، مقطع کارشناسی ارشد وجود داشت. سپس به‌عنوان عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد مشغول کار شدم. تخصص اصلی‌ام در تدریس دانشگاهی دروس کفپوش‌های نساجی، منسوجات بی‌بافت و ریسندگی است. به تازگی درس اختیاری کارآفرینی نیز به دروس دانشگاهی افزوده شده است که اصول ورود به کسب و کار به دانشجویان آموزش داده می‌شود؛ همچنین کتاب منسوجات بی‌بافت توسط اینجانب منتشر شده است. پس از اتمام دوران سربازی و هنگام تحصیل در مقطع دکترای نساجی، به تدریج وارد صنعت پلیمر شدم. سال ۱۳۷۳ و هنگامی که بحث تولید لوله‌های پلیمری را به‌طور جدی دنبال کردم، به تازگی در ایران لوله‌های پلاستیکی وارد صنعت ساختمان‌سازی شده



در جلسات مختلف با مسئولان دولتی، بارها اعلام کرده‌ام که نام وزارت صنعت و معدن را به «وزارت خودروسازی و نیروی محرکه» تغییر دهند زیرا تمام اخبار این وزارتخانه حول محور خودروسازی است و برخلاف تمام شعارهای تبلیغاتی، هیچ بهایی به سایر صنایع از قبیل نساجی داده نمی‌شود!

بود. در این زمان به بررسی واردات لوله‌های پلاستیکی پرداختم و سال ۱۳۷۶ «شرکت یزد بسپار» را به عنوان اولین مجموعه تولیدی لوله‌های پلیمری آب سرد و گرم تأسیسات ساختمانی به ثبت رساندم. تا پیش از راه‌اندازی یزد بسپار، رنگ لوله‌های پلاستیکی وارداتی عمدتاً سبز بودند و به نام لوله سبز در بازار شناخته می‌شدند، اما برای اولین بار لوله سفیدرنگ در ایران توسط یزد بسپار تولید شد. به دلیل کیفیت بسیار مطلوب لوله‌های مذکور با استقبال چشمگیر بازار روبرو و ظرف مدت کوتاهی یزد بسپار توانست به عنوان یکی از برندهای مطرح ایران محسوب شود.

سال ۱۳۸۰ «شرکت نیک بسپار» با هدف تولید لوله‌های فاضلابی صنعت ساختمان تأسیس شد. تا پیش از آن در زمینه لوله‌های فاضلابی، لوله‌های PVC وجود داشت اما برای مجتمع‌های آپارتمانی، برج‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و... سیستم‌های فاضلابی چدنی مورد استفاده قرار می‌گرفتند که نصب آنها بسیار دشوار و زمان‌بر بود، با توجه به این مسائل، سیستم «پوش فیت» را برای نخستین بار وارد کشور کردیم که جنس آن پلی پروپیلن، وزنش یک دوازدهم، قیمت یک پنجم و سرعت نصب آن سه برابر بالاتر از سیستم‌های چدنی بود. خوشبختانه در حال حاضر سیستم پوش فیت در ایران جایگاه مناسب خود را یافته، استفاده از آن در اغلب پروژه‌های ساختمانی عمومیت پیدا کرده و لوله‌های فلزی فقط در بخش‌هایی از موتورخانه‌ها به کار گرفته می‌شوند.

لوله‌های پلیمری براساس استانداردهای بین‌المللی حداقل ۵۰ سال طول عمر مفید دارند و طول عمر تأسیسات ساختمان را تا ۳۰ سال افزایش می‌دهند، در حالی که در گذشته بهترین نوع لوله‌های فلزی نیز پس از ۲۰ سال دچار پوسیدگی، خوردگی و زنگ زدگی می‌شدند؛ ضمن این که ظاهر زیبا و شکیل ساختمان نیز حفظ می‌شود.

به موازات فعالیت در زمینه تولید لوله‌های پلیمری، در زمینه تولید نخ‌های فرش ماشینی و تکمیل و هم‌چنین مباحث دانشگاهی در نساجی نیز مشغول کار هستم. رشته مهندسی نساجی در کشور به رشد قابل توجهی رسیده است و سال ۱۳۸۰ برخلاف سال‌های دور که رشته مهندسی نساجی منحصر به دانشگاه صنعتی امیرکبیر می‌شد، دانشگاه‌های صنعتی اصفهان، دانشگاه‌های آزاد یزد، کاشان و... نیز به تربیت و پرورش دانشجویان می‌پرداختند و افراد با پشتوانه علمی نسبتاً مطلوب و مناسب فارغ‌التحصیل شدند و آمار بیکاری در میان این فارغ‌التحصیلان بسیار اندک است. نکته دیگر این که علی‌رغم تبلیغات منفی و سیاه‌نمایی‌های رایج در مورد ورشکستگی صنایع نساجی، مشکل یا محدودیتی برای اشتغال جوانان در واحدهای فعال نساجی وجود ندارد؛ اگرچه همین تبلیغات منفی باعث شده اغلب جوانان تصور کنند تحصیل در رشته مهندسی نساجی مترادف با بیکاری است در حالی که این گونه نیست و به اعتقاد من صنعت نساجی مظلوم واقع شده است.

در جلسات مختلف با مسئولان دولتی، بارها اعلام کرده‌ام که نام وزارت صنعت و معدن را به «وزارت خودروسازی و نیروی محرکه» تغییر دهند زیرا تمام اخبار این وزارتخانه حول محور خودروسازی است و برخلاف تمام شعارهای تبلیغاتی، هیچ بهایی به سایر صنایع از قبیل نساجی داده نمی‌شود!

به این نکته هم باید اشاره کنم که کنترل و نظارت گسترده‌ای بر واردات انبوه منسوجات و پوشاک از طریق مرزها و کالای همراه مسافر وجود ندارد در حالی که واردات خودرو تحت کنترل همه‌جانبه دولت قرار دارد اما علی‌رغم رانت‌های گسترده و حمایت‌های همه‌جانبه، نخستین صنعتی که از الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت، دچار صدمات جبران‌ناپذیر خواهد شد، همین صنعت خودروسازی است. صنعت نساجی با وجود حمله تبلیغات منفی و عدم حمایت‌های دولتی، هم اشتغال نیروی انسانی و هم ارزش افزوده آن چندین برابر صنعت خودروسازی است. هم‌چنین قطعه‌سازان و مردم دیدگاه چندان مثبتی نسبت به شرکت‌های خودروسازی کشور ندارند و از کیفیت پایین تولیدات آن گلایه‌مند هستند؛ اطمینان داشته باشید در صورتی که صنعت نساجی از

۱۰ درصد حمایت‌های صنعت خودروسازی بهره‌مند می‌شد، صنعتگران نساجی می‌توانستند در منطقه حرف اول را از نظر کیفیت و کمیت تولید منسوجات بزنند. مسئولین از اعطای وام کم‌بهره و تدابیر مختلف در راستای حمایت از تولید سخن می‌گویند اما واقعیت چیز دیگری است. در مجموع صنعت نساجی را جزو بهترین صنایع می‌دانم زیرا ۹۰ درصد مدیریت آن در اختیار بخش خصوصی است و مدیران بخش خصوصی به اصطلاح همواره صورت خود را با سیلی سرخ نگه می‌دارند و صنعت نساجی ایران در بسیاری از بخش‌ها مانند فرش ماشینی حرف اول را می‌زند. برای مثال فرش ماشینی کاشان مدرن‌ترین، به‌روزترین و باکیفیت‌ترین محصولات را روانه بازارهای جهانی می‌کند و تعداد ماشین‌آلات ۱۲۰۰ شانه‌ای که در این شهر، نصب و راه‌اندازی شده‌اند در دنیا بی‌سابقه است. در زمینه تولید موکت‌های نمدی و پتو، نیز ایران توانمند است و بازارهای صادراتی خوبی را به دست آورده است. صنایع ریسندگی و بافندگی نیز قدرتمند هستند و نقطه ضعف این صنعت در بخش چاپ، رنگرزی و تکمیل می‌باشد. در صورتی که صنایع نساجی ایران بتواند نیاز واحدهای تولید پوشاک به پارچه‌های باکیفیت را تأمین نماید با جهش صنعت پوشاک روبرو خواهیم شد که بیشترین ارزش افزوده در این بخش را به وجود می‌آورد.

بسیاری از واحدهای فعال تولید پوشاک محصولات باکیفیت و متنوعی تولید می‌کنند که برای توسعه و پیشرفت نیازمند برندسازی و فرهنگ‌سازی هستند زیرا مردم در فروشگاه‌ها، پوشاک را با نام تولید ترکیه خریداری می‌کنند اما می‌دانیم که همین پوشاک در تولیدی‌های خیابان جمهوری تهران و... تولید می‌شوند و فقط برچسب آن نام و عنوان خارجی دارد! تولیدکننده زمانی که متوجه می‌شود مردم از خرید کالای خارجی استقبال بسیار بیشتری به عمل می‌آورند، چاره‌ای جز استفاده از لیبل خارجی برایش باقی نمی‌ماند اما وقتی که بداند مردم خریدار برندهای ایرانی هم هستند، با خیال آسوده و افتخار، برچسب تولید ایران را در محصولات خود نصب می‌نماید. البته باید به این نکته اشاره کنم که در تولید برخی از پوشاک خاص به تکنولوژی و دانش فنی آن دسترسی نداریم و عقب هستیم که باید بهای

بیشتری داده شود.

مطلب دیگر این که سال‌هاست که فارغ‌التحصیلان بسیار مستعد و توانمند در بخش طراحی پارچه و لباس از دانشکده‌های معتبر کشور تربیت می‌شوند و مشغول فعالیت در واحدهای تولیدی هستند اما در زمینه ارائه مدهای جدید و طرح‌های نوین با محدودیت‌های بسیاری مواجهند که بخشی از این محدودیت‌ها به تنگ‌نظری و کوتاه‌بینی بعضی از مسئولان ذی‌ربط بازمی‌گردد که اجازه نمی‌دهند جوانان، توانمندی‌های خود را در عرضه طرح‌های جدید و بدیع نشان دهند. صنعت نساجی ایران، علی‌رغم مسائل و مشکلات متعدد مانند نوسان نرخ ارز، واردات بی‌رویه و ... جای رشد فراوانی به‌ویژه پس از لغو تحریم‌ها و در گام نخست رفع تحریم‌های بانکی و ازسرگیری روابط پولی و بانکی با سایر کشورها دارد. همان‌طور که می‌دانید هیئت‌های اقتصادی و تجاری کشورهای مختلف در حال رفت و آمد به ایران هستند که شاید قدرتمندترین بخش این هیئت‌ها مربوط به نساجی باشد. آنان از پیشینه درخشان نساجی ایران مطلعند و در صورت حضور موثر در ایران، بار دیگر خطوط اعتباری فاینانس را برای این صنعت قائل خواهند شد که این که در دوران تحریم، در بخش تولید الیاف پلی‌استر، پلی‌پروپیلن و ... به توانمندی بسیار بالایی دست یافتیم به‌طوری که از هم‌تایان خود هیچ چیز کم نداریم و برخلاف سال‌های پیش که واردکننده الیاف پلی‌استر بودیم امروز یکی از تولیدکنندگان مطرح گرانول و چیپس در دنیا شده‌ایم که این نکته مقرون به صرفه بودن قیمت محصولات نهایی برای صنعتگران نساجی را به همراه دارد.

با توجه به تمام این مسائل، آینده صنایع نساجی ایران را بسیار امیدوارکننده می‌دانم و دولت این صنعت را جزو اولویت‌های خویش قرار داده است. امیدوارم طی چندسال آینده بتوانیم بار دیگر شاهد رونق و شکوفایی صنعت نساجی ایران باشیم اگرچه با مشکل نیروی متخصص نساج مواجه خواهیم شد. باید از روش‌های مختلف به مردم تفهیم شود که صنعت نساجی، ورشکسته و زیان‌ده نیست و فرزندان خود را به تحصیل در این رشته تشویق نمایند.

به نکات مختلفی اشاره کردید. وجود تبلیغات منفی علیه صنایع نساجی که برخی از تولیدکنندگان در شکل‌گیری این تفکر نقش دارند. در مقطعی از زمان، کارخانه‌های بزرگ نساجی (دولتی) ورشکست شدند و به این ترتیب ضربه‌ای به حیثیت نساجی ایران زده شد در حالی که همان زمان بخش خصوصی نساجی به فعالیت خود ادامه می‌داد و حتی سودآور نیز بود. اما به دلیل ورشکستگی واحدهای بزرگ دولتی، این تفکر در ذهن مردم شکل گرفت که نساجی یک صنعت ورشکسته و بحران‌زده است. به اعتقاد شما که یک دانش‌آموخته، استاد دانشگاه و هم یک صنعتگر هستید (موارد معدودی در رشته نساجی مشابه شما هم استاد دانشگاه هستند و هم در صنعت به فعالیت می‌پردازند!) چگونه می‌توان حیثیت از دست رفته نساجی را بازگرداند؟

بخش عمده‌ای از این واحدهای بزرگ، متعلق به بنیاد بودند که اوایل انقلاب به دلایل مختلف مصادره شدند، در اختیار مدیرانی قرار گرفت که هیچ‌گونه اطلاعات و دانشی در زمینه مدیریت واحدهای نساجی نداشتند و مسئولین نیز به دنبال تعهد بودند نه تخصص. فرجام این تعهدها نیز همان‌طور که مشاهده کردیم تعطیلی و توقف واحدهای بزرگ بود و به‌طور کلی سرنوشت

هر شرکتی که مالک (کارفرمای) دلسوز در رأس آن وجود نداشته باشد، همین است. در واحدهای دولتی نیز که انتصاب‌های مدیریتی متعدد است، امروز یک مدیر منصوب می‌شود و قوانین و مقرراتی وضع می‌کند و فردا مدیر دیگری به قدرت می‌رسد و تصمیمات دیگری می‌گیرد که ممکن است در تناقض با تصمیمات مدیر قبلی باشد! به این ترتیب برخلاف اصل ۴۴ قانون اساسی و علی‌رغم تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی به بخش خصوصی، همچنان شاهد فعالیت این قبیل مجموعه‌های دولتی هستیم. شاید به اصطلاح مدیران دولتی، دلشان نمی‌آید که واحد تحت مدیریت خود را به دلایل مختلف از جمله دریافت فیش‌های کلان حقوقی! بخش خصوصی بسیارند. نکته دیگر این که بخش خصوصی قدرتمند که توانایی مالی خرید چنین شرکت‌هایی را داشته باشد، کمتر وجود دارد و عملاً شبه‌دولتی‌ها و صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ... خریدار سازمان‌های دولتی می‌شوند و باز هم داستان انتصاب مدیران (بازنشسته) دولتی ادامه پیدا می‌کند. به این ترتیب تصمیم‌گیری‌های سازمانی در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که فکر سرمایه‌گذاری‌های آتی، برنامه‌ریزی جهت رشد و توسعه و ... نیستند و تفکر مقطعی دارند.

اوایل انقلاب این دیدگاه نادرست وجود داشت که تولیدکنندگان، افرادی مستکبر، زالوصفت و پایمال‌کننده



صنعت نساجی، پول‌های بادآورده و یک شبه با رانت و فساد را به دست نیاورده و از ابتدا با تکیه بر تلاش، همت و ابتکار صنعتگران و تولیدکنندگان خود به بالندگی رسیده است، نساجی سالم‌ترین صنایع ایران به شمار می‌آید و به همین دلیل برخی که تفکرات ناسالم دارند و به دنبال رانت و فساد هستند، هرگز وارد این صنعت شریف نمی‌شوند

حق و حقوق کارگران هستند! اما پس از گذشت سالیان متمادی مسئولان به این باور رسیدند که در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته دنیا، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان مورد تکریم و عنایت ویژه قرار می‌گیرند و تمام تلاش خود را در قالب اعطای تخفیف‌های مالیاتی، مشوق‌های صادراتی و ... به عمل می‌آورند تا کارآفرین بتواند اشتغال بیشتری برای نیروهای انسانی ایجاد و در توسعه صنعت و اقتصاد آن کشور نقش موثر ایفا نماید. به اعتقاد من بالاترین مقام و منزلت اجتماعی در دنیا متعلق به کارآفرینان است اما در ایران چنین طرز تفکری به تازگی شکل گرفته، نگاه مثبت به سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در حال رشد است و به مالکیت بخش خصوصی بهای بیشتری داده می‌شود. کارخانه‌های بزرگ دولتی یا باید به صاحبانشان بازگردانده می‌شد که بخش عمده‌ای از آنان به دلایل مختلف از ایران مهاجرت کرده‌اند و در دسترس نیستند و یا به مدیران توانمند بخش خصوصی واگذار شوند. از سوی دیگر مدیران واحدهای نساجی و حتی دانشگاهیان عادت کرده‌اند که در جلسات مختلف با مسئولان دولتی، ناله سر دهند و از وضعیت نامساعد نساجی گلایه کنند. در حالی که نساجی با تمام توان به فعالیت ادامه می‌دهد و آینده درخشانی در انتظار آن است. اصلاح تفکر منفی نسبت به این صنعت را ابتدا باید از خودمان (صنعتگران و فعالان نساجی) شروع کنیم تا به افکار عمومی نیز منتقل شود. واقعیت این است که صنعت نساجی، پول‌های بادآورده و یک شبه با رانت و فساد را به دست نیاورده و از ابتدا با تکیه بر تلاش، همت و ابتکار صنعتگران و تولیدکنندگان خود به بالندگی رسیده است، نساجی سالم‌ترین صنایع ایران به شمار می‌آید و به همین دلیل برخی که تفکرات ناسالم دارند و به دنبال رانت و فساد

هستند، هرگز وارد این صنعت شریف نمی‌شوند و برای کسب روزی حلال، دنبال دردسر نمی‌گردند! اگر زمانی در مسیر اقتصاد باز، سالم و پیشرو قرار گرفتیم، صنعت نساجی نخستین گزینه برای سرمایه‌گذاری و توسعه به شمار می‌آید. در دنیای امروز، ساختمان و ملک در زمره کالای تجاری شناخته نمی‌شود و املاک به صورت اقساط طولانی مدت در اختیار مردم قرار می‌گیرد، کسی دغدغه خرید ساختمان و ملک ندارد و فقط در کشور ما ساختمان به عنوان یک کالای تجاری (و در واقع به عنوان وسیله‌ای برای فرار از مالیات، پولشویی و ...) مورد توجه قرار دارد! مقامات دولتی نیز مالیات چندانی بر خرید و فروش ملک لحاظ نمی‌کنند. به همین دلیل سود موجود در خرید و فروش ملک و مالیات ناچیز، بهترین گزینه برای سرمایه‌گذاری است و توجهی برای سرمایه‌گذاری در سایر صنایع از جمله نساجی باقی نمی‌ماند. خوشبختانه دولت به تازگی حرکتی در راستای رونق بازار و تولید شروع کرده که امیدوارم مقطعی و کوتاه‌مدت نباشد و دولت در مسیر اصلاح و شفاف‌سازی اقتصادی و کنترل تورم دوام بیاورد. کشوری که تورم ۴۰ درصدی را تجربه کرده اگر بخواهد در سال ۹۵ به تورم تک رقمی (۹ درصدی) برسد، تحول بسیار بزرگ را پشت سر خواهد گذاشت که مستلزم صبر و تحمل مردم و بازار خواهد بود البته با نزدیکی به روزهای انتخابات ریاست جمهوری متأسفانه بار دیگر سیاست تمام مسائل از جمله اقتصاد را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد.

۴ به نکته بسیار مهمی اشاره کردید. برای داشتن اقتصاد سالم باید از سودهای کم شروع کنیم. دولت صنایع پایین دستی از قبیل نساجی، دارویی، غذایی و ... که دارای سودهای مشخص هستند را در رده‌های نهم و دهم اولویت‌های خود قرار می‌دهد. صنایع پایین دستی ما سودهای بالاتری نسبت به یکدیگر ندارند. شما به عنوان تولیدکننده لوله‌های پلیمری، در صورت برندسازی و کیفیت بالای محصولات، می‌توانید در بازار فروش خوبی داشته باشید اما قطعاً حاشیه سود شما ۵۰ درصد نخواهد بود، سایر

صنایع نیز از این قاعده مستثنی نیستند. صنایع سود مشخصی دارند و نمی‌توان انتظاری فراتر از آن داشت.

برای کمک گرفتن از مسئولان دولتی، راه‌های دیگری جز گلایه و شکایت وجود دارد. باید همراه و همگام با تکنولوژی‌های روز دنیا پیش رویم. یکسری اطلاع‌رسانی هم باید در مجامع عمومی برای عامه مردم صورت گیرد مانند تبلیغات مربوط به مصرف کالاهای ایرانی و ... مردم باید بدانند ۹۰ درصد کالاهایی که تهیه می‌کنند به نام خارجی و تولید ایران است پس دلیلی ندارد محصولات ایرانی با لیبیل خارجی به فروش رود. در حال حاضر برندی مانند ال سی وای کی کی در ایران فروشگاه‌های مختلفی راه‌اندازی کرده و با استقبال گسترده مردم نیز روبرو شده است این موضوع زینده صنایع نساجی و پوشاک ایران نیست. قدمت صنعت نساجی در ایران به مراتب بیشتر از ترکیه است اما تولیدکنندگان این کشور چه کرده‌اند که مردم ما ترجیح می‌دهند در صف خرید محصولات ترکیه بایستند و از آن استقبال نمایند؟ پاسخ مشخص است، «قیمت ارزان، تنوع و نوآوری در محصولات» افراد مختلف خانواده با هر سلیقه‌ای که دارند، می‌توانند نیاز خود را از محصولات این برند (ال سی وای کی کی) تأمین نمایند. آیا برندهای ایرانی پوشاک قادر به انجام چنین کاری نیستند؟ طبعاً برای رسیدن به چنین جایگاهی باید نوآوری‌های خود را افزایش دهند و تدابیری برای کاهش قیمت تمام شده بیندیشند؛ اگرچه حاشیه سود در این صنعت نسبتاً اندک است در نتیجه رقابت نیز دشوارتر می‌باشد.

۴ بحث دیگر، تربیت نیروی متخصص است. در صورتی که نیروی کار و واحد تولیدی و صنعتی را به عنوان عرضه و تقاضا بدانیم، ممکن است زمانی نیروی کار توانمند و موثر وجود داشته باشد که کارفرما در انتخاب و گزینش نیروی کار، با مشکل و محدودیتی مواجه نباشد اما این امکان هم وجود دارد که (مانند این روزها) عمده صنعتگران معتقدند تا فارغ‌التحصیلان نسل جدید، تجربه حضور در صنعت را کسب کنند مدت‌های

کارخانه را به دست می‌آورد اما در کشور ما چنین سیستمی وجود ندارد، از یک سو دانشجو انگیزه چندانی برای فعالیت در واحد صنعتی ندارد و از سوی دیگر کارخانه‌ها فرصت و فضای کافی برای فعالیت دانشجویان در محیط صنعت را نمی‌دهند؛ به همین دلیل پایه مسائل تئوریک دانشجویان ایرانی بسیار قوی است اما در زمینه مسائل عملی اطلاعات و تجربی ندارند.

سالانه سرعت ارائه محصولات جدید، تکنولوژی‌ها و ماشین‌آلات صنعتی رو به افزایش است. در گذشته هر ۵-۶ سال یک‌بار شاهد ارائه یک نوع تکنولوژی مدرن بودیم اما امروزه هر دو سال یک‌بار، نظاره‌گر سیستم‌های مدرن و جدید هستیم. اغلب شرکت‌ها، آخرین دستاوردهای فنی و تخصصی را در سایت‌های اینترنتی خود قرار می‌دهند و به این ترتیب نمایشگاهی بزرگی در فضای مجازی شکل می‌گیرد. با توجه به این نکات، دانشگاه نمی‌تواند با سرعت سرسام‌آور به تغییر و تحول در سرفصل دروس خود بپردازد و تمام تکنولوژی و ماشین‌آلات را تهیه و در اختیار دانشجویان قرار دهد این وظیفه صنعت است که دانشجویان را با محیط صنعتی آشنا نماید، کما این که در تمام کشورهای پیشرفته و صنعتی، «صنعت» فضای لازم

مانند الیاف، ریسندگی، بافندگی، کف‌پوش و ... فرا گیرد. نکته دیگر این که دروسی که در دانشگاه‌های آموزش داده می‌شود با موارد اجرایی صنعت بسیار متفاوت است. به اعتقاد شما چه اقداماتی باید انجام شود تا توازن میان عرضه و تقاضای نیروی کار و واحدهای تولیدی و صنعتی به وجود آید؟ هم‌چنین چگونه می‌توان دروس دانشگاه را با نیاز صنعت هماهنگ نمود؟

بارها این اتفاق افتاده که بعضی از فارغ‌التحصیلان را جهت کار به واحدهای صنعتی معرفی کرده‌ام اما پس از مدتی مدیران مجموعه اعلام می‌کنند این افراد آماده فعالیت در صنعت نیستند. اما باید از مدیران پرسید تا چه میزان به دانشجویان فرصت داده‌اند تا کنار ماشین‌آلات کار کنند و تجربه کسب نمایند؟

دانشگاه متولی آموزش است اما دامنه این تولی‌گری تا کجاست؟ در دنیا موفق‌ترین سیستم‌های آموزشی (به‌خصوص در رشته‌های مهندسی) سیستم آموزش دوگانه کشور آلمان می‌باشد. به این ترتیب دانشجو یک‌سال تحصیل می‌کند و شش‌ماه در یک واحد صنعتی به کارآموزی می‌پردازد، یک‌سال بعد مجدداً تحصیل را از سر می‌گیرد و انگیزه کار و فعالیت در

طولانی به طول می‌انجامد. برای مثال یک واحد تولیدی پوشاک برای استخدام طراح، با دشواری‌های بسیاری روبروست و چه بسا پس از بارها و بارها چاپ آگهی استخدام در روزنامه‌های کثیرالتشعار، افرادی مراجعه می‌کنند که نیازمند کسب تجربه و آموزش کار در صنعت هستند. به این ترتیب بازار نیروی کار خوب و مستعد محدود و نیاز صنعتگر نامحدود خواهد بود. کارفرما برای تأمین نیاز به متخصص، به شیوه‌های مختلفی مانند پیشنهاد حقوق بالاتر به متخصصین سایر شرکت‌ها و ... متوسل می‌شوند! از سوی دیگر با خیل نیروهای بی‌کار مواجهیم که به دنبال کار به این شرکت و آن مجموعه مراجعه می‌کنند. واقعیت این است که دانشگاه بنا به رسالت خود، پایه‌های علمی دانشجو را بنیان می‌گذارد اما پس از فارغ‌التحصیلی باید آموزش‌های خاص‌تر و گسترده‌تر جهت فعالیت در شاخه‌های مختلف نساجی



متأسفانه اغلب مدیران واحدهای صنعت نساجی ایران انتظار دارند متخصصی از دانشگاه تحویل بگیرند که بلافاصله به عنوان مدیر سالن مشغول کار شود در حالی که فارغ التحصیل روزهای اول حضور در کارخانه، آزمون و خطاهای بسیاری پشت سر می‌گذارد تا به تدریج با روند تولید آشنا شود.

و مناسب را برای حضور کارآموزان در کارخانه‌ها مهیا می‌نماید و در بسیاری از موارد، کارآموزان به استخدام همان کارخانه در می‌آیند و فعالیت حرفه‌ای خود را آغاز می‌نمایند. متأسفانه اغلب مدیران واحدهای صنعت نساجی ایران انتظار دارند متخصصی از دانشگاه تحویل بگیرند که بلافاصله به عنوان مدیر سالن مشغول کار شود در حالی که فارغ التحصیل روزهای اول حضور در کارخانه، آزمون و خطاهای بسیاری پشت سر می‌گذارد تا به تدریج با روند تولید آشنا شود.

مطلب بعدی، لزوم به‌روز شدن دانش اساتید دانشگاه‌هاست. در دنیای پرشتاب امروز، چاره‌ای جز به‌روز رسانی اطلاعات و دانش فنی در قالب حضور در همایش‌های تخصصی، نمایشگاه‌های معتبر بین‌المللی، مطالعه مقالات برتر و ... وجود ندارد. به هیچ عنوان شایسته صنایع نساجی ایران نیست که متخصصی از ترکیه با حقوق بالا استخدام شود و در کارخانه‌های ما به جای جوانان مستعد و پرتلاش ایرانی مشغول کار شود. مگر نمی‌توان از نیروهای جوان و مستعد ایرانی در کارخانه‌ها کمک گرفت؟ به این ترتیب هم اشتغال مملکت حفظ خواهد شد و هم شاهد تربیت نیروهای متخصص و مسلط به علم و دانش روز در فضای صنعت خواهیم بود.

اگر مدیران صنعتی انتظار دارند که دانشگاه، نیروی توانمند تحویل صنعت دهد باید فرصت کسب تجربه و آموزش به جوانان را بدهند. در غیر این صورت نباید انتظار داشته باشند که دانشگاه بتواند با امکانات محدود آزمایشگاهی خود، نیروی متخصص مسلط و حرفه‌ای تحویل آنان دهد. همچنین صنعت از دانشگاه انتظار دارد دروس و مباحث جدید تئوریک را به دانشجویان بیاموزد. چندین بار سرفصل‌های دروس دانشگاه بر این اساس مورد بازنگری قرار گرفته‌اند؟ متأسفانه سرفصل

دروس نساجی همچنان متعلق به سال ۶۳ هستند و هیچ بازنگری جدی در آن صورت نگرفته است. واقعیت این است که مدیران سالن‌ها، متخصصین بخش‌های مختلف کارخانه‌های نساجی از جمله کنترل کیفیت، تحقیق و توسعه و ... باید با علوم روز نرم‌افزار، برق، الکترونیک و ... به مراتب بیشتر از دانشجویان نسل قبل آشنا باشند زیرا نیاز امروز صنعت آشنایی با چنین مسائل مهمی است.

۴ قطعاً در دانشگاهی که تحصیل می‌کنید، بارها به این موارد اشاره کرده‌اید. آیا نمونه‌هایی در ذهن دارید که نیروی دانشگاهی را برای حضور در صنعت تربیت کرده باشید و با موفقیت از عهده فعالیت در کارخانه برآمده باشد؟

بله. به کارخانه‌های مختلف نساجی اعلام کرده‌ایم که از دانشجویان با استعداد به صورت بورسیه در خطوط تولید بهره‌مند شوند و یا همزمان با کارآموزی دانشجویان در واحدهای تولیدی، آنان را به متخصصین توانمند و حرفه‌ای تبدیل نماییم. این اقدام را به تازگی در دستور کار قرار داده‌ایم و امیدوارم به نتایج مثبتی منجر شود. البته در سال‌های گذشته فارغ‌التحصیلان بسیاری را به صنعت معرفی کرده‌ایم که امروز به متخصصین توانمند و موثری در کارخانه تبدیل شده‌اند و مدیریت سالن تولید و ... به آنان واگذار شده است.

۴ برخی دروس دانشگاه، اختیاری هستند آیا می‌توان در دروس اختیاری واحدهایی مانند ریسندگی کاربردی، بافندگی کاربردی و ... را به نحوی تعریف کرد که هم دانشجویان علاقه‌مند، به حضور در این دوره‌ها ترغیب شوند و هم نیروی شاغل در کارخانه برای یادگیری بیشتر مسائل علمی خط تولید در این دوره‌ها شرکت نماید؟ به این ترتیب درآمد قابل توجهی برای دانشگاه به وجود خواهد آمد که از این طریق به تجهیز کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌های خود بپردازد.

بله. این پیشنهاد قابل اجراست. نکته اینجاست که بسیاری از دانشگاه‌های آزاد اسلامی کشور، متقاضی

مقطع کارشناسی ندارند و در برخی از دانشکده‌ها تعداد دانشجویان این مقطع انگشت‌شمار شده‌اند. در حالی که با انبوه دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا روبرو هستیم. بسیاری از جوانان به دلیل مشکلات موجود در رشته‌های فنی و مهندسی از این رشته جدا شده‌اند و به فعالیت در سایر رشته‌ها (به خصوص مدیریت و حسابداری) می‌پردازند. برای اجرای پیشنهاد شما ابتدا باید تدابیری برای افزایش متقاضیان مقطع کارشناسی اندیشید.

۴ یکی از محورهای فعالیت جامعه متخصصین نساجی ایران، برگزاری دوره‌های آموزشی برای مدیران صنعت است به این ترتیب با همکاری مشترک میان جامعه متخصصین و دانشکده‌های نساجی کشور می‌توان دوره‌های علمی مختص دانشجویان و فعالان صنعتی برگزار کرد. برای مثال در زمینه تولید پارچه رومبلی (که شهر یزد قطب تولید پارچه رومبلی و پرده‌های کشور محسوب می‌شود) می‌توان دوره‌های مختلف ریسندگی، بافندگی، طراحی و ... مدنظر قرار داد و با کمک اساتید دوره‌های کاربردی آن را برپا کرد.

اگر جامعه متخصصین نساجی مترصد انجام چنین اقدامی باشد؛ آمادگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد را اعلام می‌کنیم، از نظر قانونی و اجرایی دانشگاه آزاد اسلامی هیچ محدودیتی برای این همکاری ندارد.

۴ صناعی که با دولت کار می‌کنند به دلایل مختلف مانند نوسان قیمت نفت، رکودهای شدید اقتصادی و ... با مشکلات بیشتری نسبت به صنایع همکار با بخش خصوصی مانند صنایع غذایی، پوشاک و ... مواجه هستند اما در همین صنایع شاهد کاهش میزان فروش هستیم. به اعتقاد شما صنایع نساجی چه اقداماتی باید انجام دهد تا فروش محصولاتش را به دوران اوج برساند؟

کشور ما صنایع انگشت‌شمار و معدودی وجود دارند که به ضرورت بهره‌گیری از علوم جدید پی برده باشند و ارتباطات تنگاتنگ با دانشگاه‌ها داشته باشند؛ به این دلیل که در بازارهای بین‌المللی حضور ندارند و بازارهای محلی و سنتی هم که نیازی به استفاده از علوم جدید ندارد.

به‌اعتقاد من تا به یک ثبات اقتصادی نرسیم امکان حضور در بازارهای بین‌المللی را نخواهیم داشت. نوسان قیمت در بازار بین‌المللی امکان‌پذیر نیست و بهانه‌هایی مانند نوسان نرخ ارز، تغییر دولت و ... توجیه‌پذیر نیست، از سوی دیگر ثبات اقتصادی در پرتو ثبات سیاسی و روابط دیپلماتیک با دوام با دنیا تحقق خواهد یافت. در واقع ثبات سیاسی و امنیت سرمایه‌گذاری پایه تمام این مسائل است که مورد اشاره قرار گرفت. چه بخواهیم چه نخواهیم در دهکده جهانی قرار داریم و تمام کشورها از طریق فناوری ارتباطات و اطلاعات به تعامل با همدیگر می‌پردازند. نمی‌توان دور خود را خط بکشیم و خود را تافته جدا بافته بدانیم! این استدلال در دنیای امروز دیگر محلی از اعراب ندارد و دوران آن سپری شده است.

مطلب دیگر این که باید مسائل اقتصادی را از مسائل سیاسی جدا کنیم تا امنیت سرمایه‌گذاری خارجی در کشور تحقق یابد. بسیاری از هیئت‌های خارجی صرفاً برای گرفتن اطلاعات به ایران می‌آیند و در همایش‌های مختلف شرکت می‌کنند در نهایت هم از خود می‌پرسند «اگر سرمایه‌گذاری در ایران طبق گفته مسئولان مختلف سهل و ساده است، پس چرا سرمایه‌گذاران ایرانی، سرمایه‌های خود را از کشور خارج می‌کنند؟!» به نوشته یکی از مجلات معتبر بین‌المللی «فساد اداری»، «نیروی فارغ‌التحصیل دانشگاهی کم‌سواد» و «سیستم بانکی» از معضلات بزرگ سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به شمار می‌آیند. بدون روابط سازنده با دنیا نمی‌توان اقتصاد مقاومتی داشته باشیم. اگر دانشمندان و متخصصین ما در اوج تحریم‌ها توانستند به باروری ۲۰ درصدی انرژی اتمی دست یابند یا در زمینه سلول‌های بنیادی و هوافضا به پیشرفت‌های چشمگیر دست یابیم، در صورت برقراری ارتباط سالم، سازنده و متقابل با دنیا به قله‌های رفیع علم و دانش خواهیم رسید.

مقابل تولیدکننده ایرانی با مشکلات متعدد دست و پنجه نرم می‌کند. بهترین راهکار رفع این مشکل، تجمیع واحدهای تولیدی در قالب یک هلدینگ است که منابع حاصل از فروش محصولات بلافاصله به تمام بخش‌ها تزریق می‌شود. این پیشنهاد بسیار موثر و کاربردی است اما در ایران عملی به‌نظر نمی‌رسد!

«به‌نظر می‌رسد نگاه سنتی نسبت به تولید پارچه، منسوجات خانگی و پوشاک باید به سمت تولیدات مدرن و صنعتی تغییر جهت دهد. برخی از واحدهای نساجی و پوشاک وارد این مقوله شده‌اند و به تولید صنعتی مانند پارچه‌های صنعتی، ضدآب، ضدآتش، نظامی و ... می‌پردازند. آیا دانشگاه در این راستا گام‌هایی برداشته است؟ اصولاً دانشگاه در این زمینه چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟»

دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در این زمینه تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای انجام می‌دهند اما در اغلب کشورها زمانی که دستاورد تحقیقات دانشگاهی استخراج می‌شود، یک خریدار صنعتی وجود دارد که در واحد تولیدی از مواهب آن بهره‌مند می‌شود. متأسفانه در ایران باید مبالغی هم پرداخته شود تا تحقیقات در مجلات تخصصی منتشر شوند و در بایگانی کتابخانه‌ها جای گیرند! به این دلیل که صنعت کشور نیازی به علوم جدید ندارد. زمانی ما حاصل تحقیقات و پژوهش‌های علمی مورد استفاده قرار خواهد گرفت که صنعتگران نساجی بخواهند وارد بازارهای بین‌المللی شوند و در صادرات حرف برای گفتن داشته باشند. اگر کارخانه‌ای بخواهد با هم‌تایان چین، ترکیه و هند رقابت کند باید به دانشگاه مراجعه نمایند تا به علوم جدید مسلط شود. تا زمانی که بازار فروش ما بازارهای سنتی و محلی است علم و مدیریتمان نیز سنتی و محلی باقی خواهد ماند.

در صورتی که ما را به بازارهای جهانی راه دادند و زمان رقابت با سایر تولیدکنندگان فرار رسید، صنعت نیازمند علوم جدید خواهد شد و باید به دنبال متخصصی بگردد تا با تولید منسوجات فنی و ... آشنا باشند. در

بعضی از بخش‌های صنعت نساجی شامل این موضوع نمی‌شوند برای مثال کارخانه تولیدکننده الیاف، فقط باید محصولات خود را به واحدهای ریسندگی بفروشد. هنوز برخی از نمونه‌های مبتنی بر سیستم‌های قدیمی در کارخانه‌های یزد و ... وجود دارند که کل سیستم ریسندگی، بافندگی، تکمیل و ... را در مجموعه خود دارند و پارچه نهایی را در فروشگاه‌های اختصاصی خود به فروش می‌رسانند یا برخی نیز واحد تولید پوشاک را دارند و ورودی این کارخانه الیاف و خروجی آن پوشاک آماده است. چنین مدل کسب و کاری مطلوب و کارآمد است و زنجیره کاملی از تولید را در برمی‌گیرد. نکته دیگر این که معمولاً در ایران انجام کار گروهی اندکی دشوار است اما اگر کارخانه‌های نساجی را به همدیگر وصل کرد و هلدینگ‌های تخصصی راه‌اندازی نمود؛ بخشی از مشکلات فروش رفع خواهد شد. کما این که بسیاری از هلدینگ‌های بین‌المللی تولیدکننده نیستند اما برای مثال ۵ واحد تولیدی را به‌عنوان زیرمجموعه خود انتخاب می‌کنند و مسئولیت بخش فروش محصول را برعهده می‌گیرند. متأسفانه مدیریت چنین فعالیت‌هایی در ایران ضعیف است. اگر چند شرکت ریسندگی، بافندگی، چاپ، رنگرزی و تکمیل و پوشاک بتوانند در کنار هم یک هلدینگ را تشکیل دهند و تحت عنوان یک برند مشترک به ارائه محصول بپردازند، کالای نهایی با مشکل عدم فروش روبرو نخواهد شد و سرمایه به سرعت به سیستم بازمی‌گردد.

به‌اعتقاد من بزرگ‌ترین آفت صنعت نساجی و پوشاک کشور، فروش مدت‌دار است. ۲۰ تولیدکننده مطرح یزد باید محصولات خود را به یک بنکدار در حجره ۱۰ متری بازار تهران بدهند و مشخص نیست چه زمانی این محصولات به فروش خواهند رفت تا سود آن نصیب تولیدکننده شود؛ همین تاجر برای خرید محصولات ترکیه، ابتدا باید مبلغی به‌عنوان پیش پرداخت بدهد تا یک ماه بعد کالا در اختیارش قرار گیرد. کاملاً مشخص است وقتی پول نقد پیش‌پرداخت در اختیار تولیدکننده ترکیه قرار می‌گیرد قادر به کاهش قیمت تمام شده محصولات خود خواهد بود و در